

Original Article

Prohibition of abuse in Banking Acts and Practices Under U.S. Law: A Comparative Analysis with Iran's Legal System

Seyyed Amin Pishnamaz^{*1}, Mostafa Elsan²

¹ PhD student in private law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

² Associate Professor of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.



[10.22080/LPS.2024.27591.1656](https://doi.org/10.22080/LPS.2024.27591.1656)

Received:

August 18, 2024

Accepted:

November 21, 2024

Available online:

December 21, 2024

Keywords:

Dodd-Frank Act,
Abusive Prohibition,
Consumer financial
protection bureau,
Abuse of rights, Bank
contracts

Abstract

Banking contracts, which are among the most commonly used standard contracts, are established between the credit institution (in a general sense) as the master party to the contract and the consumer. The adhesive nature of these contracts, combined with the complexity of their provisions and the dominant position of the credit institution, creates opportunities for potential abuse by the stronger party involved in the agreement. However, it is not always the case that consumers are exploited; information asymmetry can sometimes have the opposite effect, leading to moral hazards on the part of the consumer. Following the financial crisis of 2007-2008, the term "abuse" entered the legal and financial literature of the United States, largely due to the Wall Street Reform and Consumer Protection Act. The inadequacy of existing regulations in preventing the crisis, along with the failure to effectively address the financial turmoil, prompted a comprehensive review of the mechanisms for managing financial markets, particularly concerning credit contracts and the provision of financial facilities. In addition to establishing the Office of Financial Protection for Consumers, the aforementioned Act empowered this office to identify and prosecute abusive financial practices and actions. In this article, a descriptive-analytical approach is employed to examine the background and origins of abuse. The discussion includes the concept and enforcement of prohibitions within the legal system of the United States of America. Furthermore, the article evaluates existing mechanisms and examples in Iranian law in relation to the aforementioned legal framework. Finally, the expansion and enhancement of existing mechanisms within the domestic legal system to address the abuse of the more powerful party in a contract, along with a reference to general principles and the initiation of new approaches to consumer protection, can be inferred.

***Corresponding Author:** Seyyed Amin Pishnamaz

Address: Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Email: S_pishnamaz@sbu.ac.ir



Extended Abstract

1. Introduction

Abuse in banking practices is inevitable due to several factors, including consumers' insufficient knowledge of banking services, the banks' superior position in negotiating and executing contracts, the asymmetry of information between the parties, and the consumers' need and dependence on these services. The exploitation of credit institutions during the mortgage lending process at the beginning of this century significantly contributed to the financial crisis in the United States. In the legal system of Iran, despite efforts to address bank abuse, numerous examples persist. The primary focus of this research is to identify the prohibition of abuse within American law and Iran's domestic legal framework. The authors examine the prohibition of abuse in the context of the American financial crisis and assess the developments in the U.S. legal system in relation to the internal mechanisms of Iran's legal system.

2. Methods

In this article, the answer to the aforementioned question will be provided using a descriptive-analytical method and by referencing library sources. Initially, the legal framework of the United States will be examined, followed by an analysis of the Dodd-Frank Act and the policy statement of the Consumer Financial Protection Bureau within American law. Additionally, internal regulations, letters from the Central Bank, and administrative approvals in Iranian law will be explored.

3. Results

In the American legal system, the prohibition of abuse has empowered regulatory bodies to address abusive actions that were previously

unmanageable. Despite the numerous ambiguities surrounding the scope and objectives of this new prohibition, it appears that its fundamental elements can be aligned with the principles of Behavioral Economics. Conversely, in Iran's legal system, the mechanisms for addressing abuse have yet to be tailored to the requirements of banking law.

4. Conclusion

In the legal system of the United States, the Consumer Financial Protection Bureau (CFPB) has effectively safeguarded the rights of consumers of financial services, particularly mortgage borrowers, by possessing the authority to address abusive acts and practices. However, establishing a unified, law-based procedure for the Bureau will require additional time. In contrast, Iran's legal system lacks adequate mechanisms to address the abuse of credit institutions, relying primarily on general regulations. Consequently, banks and other credit institutions are often exempt from prosecution and liability. Nevertheless, the central bank, in accordance with its supervisory responsibilities, attempts to address instances of abuse on a case-by-case basis.

Funding

There is no funding support.

Authors' contribution

The authors contributed equally to the conceptualization and writing of the article. All authors approved the content of the manuscript and agreed on all aspects of the work.

Conflict of interest

The authors declared no conflict of interest.

Acknowledgments

We are grateful to all the persons for scientific consulting in this paper.



علمی پژوهشی

ممنوعیت «سوءاستفاده» در اقدامات و رویه‌های بانکی در حقوق آمریکا؛ با نگاهی به نظام حقوقی ایران

سید امین پیشنماز^{*}، مصطفی‌السان^۲^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.^۲ دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.[10.22080/LPS.2024.27591.1656](https://doi.org/10.22080/LPS.2024.27591.1656)

چکیده

قراردادهای بانکی به عنوان نمونه‌ای از پرکاربردترین قراردادهای استاندارد، میان موسسه اعتباری (در معنای عام) به عنوان طرف مسلط قرارداد و مصرف‌کننده منعقد می‌شود. خاصیت الحاقی بودن قرارداد در کنار پیچیدگی مفاد آن و موقعیت برتر موسسه اعتباری بستری مساعد را برای سوءاستفاده طرف قوی قرارداد فراهم می‌آورد. با این حال، همواره این گونه نیست که مصرف‌کننده مورد سوءاستفاده قرار گیرد، بلکه گاه مصرف‌کننده از عدم دسترسی موسسه اعتباری به اطلاعات سوءاستفاده نموده و سبب ورود زیان می‌شود. پس از گذار از بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸، اصطلاح سوءاستفاده به موجب قانون «اصلاح وال‌استریت و حمایت از مصرف‌کننده» به طور جدی وارد ادبیات حقوقی-مالی ایالات متحده آمریکا شد. نارسایی مقررات موضوعه در پیش‌گیری از وقوع بحران، همچنین ناتوانی در مقابله با بحران مالی سبب شد تا سازوکارهای موجود برای مدیریت بازارهای مالی به‌خصوص در قراردادهای اعتباری و اعطای تسهیلات مورد بازبینی قرار گیرد. قانون اخیرالذکر متعاقب تشکیل دفتر حمایت مالی از مصرف‌کنندگان به این دفتر اختیار تعیین و تعقیب اقدامات و رویه‌های سوءاستفاده‌گرانه مالی را اعطاء نمود. در نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، پس از مطالعه پیشینه و منشأ استاندارد سوءاستفاده، مفهوم و ضمانت اجرای این ممنوعیت در نظام حقوقی ایالات متحده مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه سازوکارها و مصادیق موجود در حقوق ایران در تطبیق با نظام حقوقی مذکور ارزیابی می‌شود. انبهایه بسط و توسعه سازوکارهای موجود در نظام حقوق داخلی به منظور مقابله با سوءاستفاده طرف قوی قرارداد در کنار عمومات قابل استناد، همچنین شروع حرکت به سمت رویکردهای جدید در حمایت از مصرف‌کننده قابل استنباط است.

تاریخ دریافت:

۲۸ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۰ آذر ۱۴۰۳

تاریخ انتشار:

۱۰ دی ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

قانون داد-فرانک، ممنوعیت سوءاستفاده، دفتر حمایت مالی مصرف‌کننده، سوءاستفاده از حق، قراردادهای بانکی

^{*} نویسنده مسئول: سید امین پیشنماز

آدرس: دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

ایمیل: S_pishnamaz@sbu.ac.ir

۱ مقدمه

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، سیاست «مسکن مقرون به صرفه»^۱ برای عموم مردم ایالات متحده آمریکا موجب به کارگیری برخی سازوکارهای اقتصادی شد که در نهایت زمینه‌ساز یکی از بزرگترین بحران‌های مالی قرن حاضر گردید (Whalen, 2008:3). حد فاصل سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ میلادی از یک سو فدرال‌رزرو^۲ نرخ بهره بانکی را تا حداقل ممکن کاهش داد (Fred, 2024) و از سوی دیگر بانک‌ها و دیگر موسسات اعتباری در راستای افزایش مالکیت مسکن، مبادرت به اعطای وام‌هایی موسوم به وام‌های مسکن درجه دو^۳ به اشخاصی نمودند که از سوابق اعتباری مناسبی برخوردار نبودند و بازپرداخت اقساط آن با ریسک بالا همراه بود (The Financial Crisis inquiry report, 2011: 69-70). کاهش نرخ بهره و افزایش اعطای وام‌های درجه دو مسکن، موجب کاهش نقدینگی بانک‌ها و موسسات اعتباری شد. در این شرایط، بانک‌ها به ابزارهای جدید مالی مانند انتشار اوراق بهادار با پشتوانه رهنی^۴ از طریق موسسات واسطه سرمایه‌گذاری روی آوردند. به این صورت که موسسات واسطه، وام‌های مسکن با پشتوانه‌ی سند منازل مسکونی را از بانک‌ها خریداری و جمع‌آوری نموده و با حداقل ریسک در قالب اوراق بهادار با پشتوانه رهنی به سرمایه‌گذاران به فروش می‌رساندند (فرزین‌وش و برخوردار، ۱۳۸۹: ۱۱۹). سرمایه‌گذاران که مبلغ اوراق را نقدا پرداخت می‌نمودند، اصل مبلغ وام مسکن و سود آن را تدریجاً از وام‌گیرندگان دریافت نموده و سند منازل مسکونی به‌عنوان وثیقه‌ی طلب آن‌ها، ریسک نکول را تا حد زیادی پایین می‌آورد. به این ترتیب، مشکل نقدینگی بانک‌ها تا حد زیادی مرتفع شد و امکان پرداخت وام‌های مسکن بیشتری فراهم گردید. تزریق وام‌های مسکن در سال‌های ابتدایی قرن ۲۱ میلادی باعث

افزایش تقاضای مسکن و بالا رفتن قیمت‌ها گردید. این شرایط به‌خودی‌خود سبب ایجاد «حباب مسکن»^۵ در بازار مالی ایالات متحده آمریکا شد (O'Brien, 2018:368-369).

در سال ۲۰۰۶، فدرال‌رزرو برای مقابله با تورم ایجاد شده ناشی از افزایش نقدینگی، نرخ بهره وام‌های بانکی را افزایش داد (Fred, 2024). بسیاری از وام‌های مسکن اعطاءشده به خصوص وام‌های درجه دو از نوع «وام‌های مسکن با نرخ سود قابل تنظیم»^۶ بود به این صورت که نرخ سود بانکی در طول مدت بازپرداخت اقساط بر اساس شرایط بازار توسط فدرال‌رزرو قابل تغییر (افزایش یا کاهش) بود. افزایش نرخ سود بانکی، سبب شد بسیاری از وام‌گیرندگان که خود را قادر به بازپرداخت وام ندیدند، شروع به فروش منازل مسکونی برای تصفیه وام نمودند. از سوی دیگر، با افزایش نرخ سود تقاضا برای دریافت وام و به تبع آن خرید منازل مسکونی کاهش پیدا نمود. این امر سبب ترکیدن حباب مسکن در ایالات متحده آمریکا شد و ارزش منازل مسکونی با کاهش قابل توجهی همراه شد. ترکیدن حباب مسکن سبب شد ارزش بسیاری منازل مسکونی به عنوان عین مرهونه از بدهی بدهکاران بابت وام‌های مسکن کمتر گردد. در این شرایط بسیاری از وام‌گیرندگان از پرداخت اقساط وام‌های بانکی خودداری نموده و موجب ورشکستگی شمار قابل توجهی از بانک‌ها و دیگر موسسات اعتباری شدند (فرزین‌وش و برخوردار، ۱۳۸۹: ۱۲۱، ۱۲۰). این معضل زمانی شدت بیشتری گرفت که ریسک ناشی از عدم بازپرداخت وام مسکن، با توجه به گسترش ابزارهای مالی چون اوراق بهادار با پشتوانه رهنی از برخی موسسات اعتباری اعطاءکننده وام به طیف وسیعی از دارندگان اوراق بهادار به عنوان سرمایه‌گذاران منتقل شد و بخش وسیعی از جامعه را تحت تأثیر قرار داد (The Financial Crisis inquiry report, 2011:191-192). از مجموعه این رخدادهای

⁴ Mortgage-backed securities

⁵ Housing bubble

⁶ Adjustable-Rate Mortgage

¹ Affordable Housing

² Federal Reserve

³ Subprime Mortgage

تحت عنوان علل بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ ایالات متحده آمریکا یاد می‌شود (The Financial Crisis inquiry report: xxiii-xxiv).

همانطور که پیشتر گفته شد، یکی از علل اصلی این بحران حرص و اشتیاق بانک‌ها نسبت به اعطای وام‌های مسکن درجه دو بدون لحاظ سوابق اعتباری مشتریان بود (Demyanyk, Van Hemert, 2009: 1). این نوع از وام‌ها در شرایطی که قیمت مسکن روزبه‌روز در حال افزایش بود، نه برای بازپرداخت و تصفیه بلکه با هدف شکست وام‌گیرندگان و سلب مالکیت اعیان مرهونه اعطاء می‌شد (Policy statement, 2023: 9). این رویه‌های وام‌دهی با اصطلاح «وام‌دهی غارتگرانه»^۱ شناخته می‌شود. پس از بحران مالی وام مسکن، بیش از شش میلیون آمریکایی در اثر سلب مالکیت در اجرای اسناد رهنی، منازل مسکونی خود را از دست دادند (Markridis, Ohlrogge, 2022: 159). بحران، قوانین حمایت از مصرف‌کننده، نهادهای نظارتی و قابلیت استانداردهای موجود برای مقابله با وام‌های غارتگرانه به عنوان یکی از علل اصلی بحران را در معرض آزمایش قرار داد (Policy statement, 2023: 2). در مقابل، کنگره به این نتیجه رسید که رویکرد تنظیم‌گران مالی در راستای ممنوعیت اعمال یا رویه‌های غیرمنصفانه و فریبنده، برای جلوگیری از بحران مالی بسیار محدود بود و ضروری است قوانین موجود برای مقابله بهتر با چالش‌های جدید اصلاح گردد (Policy statement, 2023: 2).

در سال ۲۰۱۰ میلادی کنگره آمریکا قانون جامع «اصلاح وال استریت و حمایت از مصرف‌کننده» داد. فرانک^۲ معروف به داد - فرانک را به تصویب رساند. این مقرر، مشتمل بر ۱۶ فصل با هدف التیام آثار زیان‌بار بحران مالی مذکور و پیشگیری از وقوع رخدادهای مشابه به تصویب رسید. در مقدمه این

قانون یکی از اهداف اصلی آن حمایت از مصرف‌کنندگان خدمات مالی در قبال رویه‌های سوءاستفاده‌گرانه توصیف شده است. یکی از مهم‌ترین ابتکارات این قانون که در فصل دهم پیش‌بینی شده است، ایجاد دفتر حمایت مالی از مصرف‌کنندگان^۳ (از این به بعد دفتر نامیده می‌شود) می‌باشد. بند «ب» ماده ۱۰۲۱ این قانون، یکی از اهداف ایجاد دفتر مذکور را حمایت از مصرف‌کنندگان در برابر اقدامات و رویه‌های «غیرمنصفانه»^۴، «فریبنده»^۵ و «سوءاستفاده‌گرانه»^۶ عنوان کرده است. دو عنوان غیرمنصفانه و فریبنده پیش از این، در قانون «کمسیون تجارت فدرال»^۷ پیش‌بینی شده بودند. اما ممنوعیت «سوءاستفاده» برای نخستین بار به موجب داد - فرانک در عرض دو ضابطه پیشین قرار گرفت.

با توجه به پیشینه مذکور پرسشی که قابل طرح می‌باشد، ملاک تعیین ممنوعیت جدید سوءاستفاده در اقدامات و رویه‌های بانکی در حقوق آمریکا است. به موازات نظام حقوقی آمریکا جایگاه سوءاستفاده در رویه‌های بانکی در حقوق ایران نیز قابل طرح است. موضوع حاضر از آن حیث که نظم حاکم در حقوق ایالات متحده را با سازوکارهای داخلی ایران مورد مطالعه تطبیقی قرار دهد فاقد سابقه و پیشینه تحقیقاتی است. در این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی به طور تطبیقی انجام می‌شود، نخست پیشینه ممنوعیت مذکور در مقررات ایالات متحده مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس مفهوم سوءاستفاده از منظر قانون داد - فرانک مورد مطالعه قرار گرفته و ضمانت اجرای آن ارزیابی می‌گردد. در فراز پایانی موضع نظام حقوقی ایران در قبال سوءاستفاده بانکی و معیار تعیین اقدامات و رویه‌های سوءاستفاده‌گرانه با توجه به یافته‌های تطبیقی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

⁴ Unfair

⁵ Deceptive

⁶ Abusive

⁷ Federal Trade Commission Act (FTCA)

¹ Predatory lending

² Dodd-Frank Wall Street Reform and Consumer Protection Act

³ Consumer Financial Protection Bureau (CFPB)

۲ نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

۲/۱ پیشینه ممنوعیت سوءاستفاده

پیش از آن که استاندارد سوءاستفاده در قانون داد-فرانک تعریف شود، ردپایی از این اصطلاح در دیگر مقررات حوزه‌های مالی فدرال قابل مشاهده است. قانون «شیوه‌های منصفانه‌ی جمع‌آوری مطالبات»^۱ مصوب ۱۹۷۷ با اصلاحات بعدی، بدون ارائه تعریف به دفعات از این اصطلاح استفاده کرده است. در بند «۵» ماده ۸۰۲ این قانون -اصلاحی سال ۲۰۰۶ (USC 15 1692)- هدف این قانون حذف شیوه‌های سوءاستفاده‌گرانه در وصول مطالبات عنوان شده است. ماده ۸۰۶ تحت عنوان آزار و سوءاستفاده مقرر می‌دارد: «وصول‌کننده طلب نمی‌تواند رفتاری را انجام دهد که نتیجه طبیعی آن آزار، رنجاندن یا سوءاستفاده از شخص در رابطه با وصول طلب باشد». در ادامه بدون آن که حصری در مصادیق آزار، رنج یا سوءاستفاده وجود داشته باشد، مواردی ذکر شده است از جمله: برقراری تماس تلفنی یا درگیر کردن شخص در مکالمه تلفنی به طور مکرر یا مستمر به قصد آزار همچنین سوءاستفاده یا اذیت هر شخصی که مخاطب باشد.

وصول مطالبات بستری مساعد برای اقدامات سوءاستفاده‌گرانه محسوب می‌شود. از این حیث قانون «شیوه‌های منصفانه‌ی جمع‌آوری مطالبات» به اشخاص حق اقامه‌ی دعوای شخصی علیه وصول-کنندگان را می‌دهد. افزون بر این قانون‌گذار نوعی مسئولیت مطلق را بر وصول‌کنندگان طلب تحمیل می‌کند و چارچوبی محدود از فعالیت‌های مجاز را مشخص می‌کند و اعمال خارج از این چهارچوب را

سوءاستفاده اعلام می‌کند (Carey Alexander, 2011:1123). پیش‌بینی حق شخصی اقامه دعوا با پشتوانه مسئولیت مطلق در خصوص وصول مطالبات، انگیزه قوی ایجاد می‌کند که تا وصول-کنندگان رفتار خود را با قانون مطابقت دهند.

در سال ۱۹۹۴، کنگره قانون «حمایت از مالکیت خانه و مازاد ارزش عین مرهونه»^۲ را تصویب نمود. در شق ب از بند ۲ بخش P ماده ۱۶۳۹ این قانون، به هیئت‌مدیره فدرال‌رزرو این قدرت اعطاء شد تا تأمین مالی مجدد وام‌های رهنی که به نظر آن هیأت با شیوه‌های وام‌دهی سوءاستفاده‌گرانه در ارتباط بوده و یا در مجموع به نفع وام‌گیرنده نیست را ممنوع نماید. در پی اصلاحات سال ۲۰۱۰ و تصویب قانون داد - فرانک این اختیار به دفتر اعطاء شد. در فاصله زمانی ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۸ فدرال رزرو تا حد زیادی این اختیار را نادیده گرفت، تا این که در نهایت مصلحت دید در سال ۲۰۰۸ و در اوج بحران مالی از اختیارات خود استفاده کند (Carey Alexander, 2011:1124).

با این حال، فدرال‌رزرو از ارائه تعریف دقیق اختیار خود برای هدف قرار دادن اقدامات سوءاستفاده‌آمیز خودداری کرد. فدرال‌رزرو در سال ۲۰۰۸ تنها به طور محدود دو اقدام: ۱. تجدید وام^۳ و ۲. سلب مازاد ارزش عین مرهونه^۴ را مصداق رویه‌های سوء-استفاده‌آمیز اعلام نمود.^۵ تجدید وام به معنای تأمین مالی مجدد وام رهنی به طور مکرر در یک دوره زمانی کوتاه، بدون هیچ سودی برای وام‌گیرنده است. از آنجایی که هر بار تجدید وام، کارمزدهای اضافی و بدهی اصلی مضاعفی را با نرخ‌های بالاتر ایجاد می‌کند، مازاد ارزش عین مرهونه که غالباً منزل مسکونی وام‌گیرنده است، به یغما می‌رود.^۶

^۶ سلب مازاد ارزش مرهونه معمولاً یکی از روش‌های کلاهبرداری در املاک و مستغلات است و به فرایندهایی گفته می‌شود که در آن شخص یا اشخاصی، به مازاد ارزش عین مرهونه‌ای (غالباً مسکن) که به علت عدم پرداخت اقساط وام در معرض سلب مالکیت قرار گرفته است دست اندازی نموده

^۱ Fair Debt Collection Practices Act (FDCPA)

^۲ Home Ownership and Equity Protection Act (HOEPA)

^۳ Loan flipping

^۴ Equity-stripping

^۵ Truth in Lending, 73 Fed. Reg. 1686

تعریفی انعطاف‌پذیر از سوءاستفاده نمود که در بخش بعدی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این رویکرد کنگره می‌بایست در تفاسیر دفتر از استاندارد سوءاستفاده مورد توجه قرار گیرد.

در سال ۱۹۹۴ نیز قانون «بازاریابی تلفنی و ممنوعیت فریب و سوءاستفاده از مصرف‌کننده»^۳ به تصویب کنگره رسید. در ماده ۶۱۰۲ کمیسیون تجارت فدرال مکلف به وضع مقرراتی برای بازاریابی تلفنی شد که مصادیق مختلفی از سوءاستفاده مانند تماس در برخی ساعات شبانه روز و همچنین سوءاستفاده و تجاوز به حریم خصوصی مصرف‌کننده را منع نماید.

۲،۲ سوءاستفاده در قانون داد-فرانک

ماده ۱۰۳۱ قانون داد - فرانک در کنار دو ممنوعیت اقدامات و رویه‌های غیرمنصفانه و فریبنده که پیش از آن در ماده ۵ قانون «کمیسیون تجارت فدرال» پیش‌بینی شده بود، ممنوعیت سوءاستفاده را اضافه نمود. این ماده به دفتر این اختیار را داد که اشخاص مشمول و ارائه‌دهندگان خدمات را از به‌کارگیری اعمال و رویه‌های غیرمنصفانه، فریبنده و سوءاستفاده‌گرانه منع نماید.

از منظر تاریخی، کمیسیون تجارت فدرال طبق ماده ۵ «قانون کمیسیون تجارت فدرال» این اختیار را داشته است که نهادهای غیربانکی را از «اعمال یا رویه‌های غیرمنصفانه یا فریبنده در تجارت یا تأثیرگذاری بر تجارت» منع کند. به طور مشابه، تنظیم‌گران بانکی این اختیار را داشتند که ماده ۵ را برای نهادهای بانکی تحت نظارت خود اجرا کنند. قانون داد - فرانک اختیارات اجرای قوانین و مقررات مربوط به محصولات مالی مصرف‌کننده را از این تنظیم‌گران بانکی در رابطه با مؤسسات سپرده‌گذاری بیمه شده و اتحادیه‌های اعتباری با مجموع دارایی‌های بیش از ۱۰ میلیارد دلار به دفتر منتقل

تحقیقات فدرال رزرو نشان می‌دهد که در هر دو اقدام مذکور، دو موضوع دیده می‌شود: نخست آن که یک منفعت بالقوه که قرار است به مصرف‌کننده برسد، سبب انجام این اقدامات می‌باشد. دیگر آن که اقدام انجام‌شده یا هیچ منفعتی برای مصرف‌کننده نداشته و یا ضرری را نیز به او وارد می‌سازد.^۱

فدرال رزرو موکدا این تصور که رویه‌های سوءاستفاده‌آمیز برای مصرف‌کنندگان غیرقابل تحمل است را رد کرد (Carey Alexander, 2011: 1124). همچنین، این نهاد پیشنهاد داد که انتشار اطلاعات (به منظور تقارن اطلاعاتی) و افشای بهتر به‌خودی‌خود نمی‌تواند مانع از سوءاستفاده شود^۲، این موضوع مبنایی برای پیش‌بینی و تعریف استاندارد سوءاستفاده است که بعدها در قانون داد - فرانک متجلی شد. همانطور که قابل پیش‌بینی بود فدرال رزرو به نحو محدودی از اختیاراتش برای مقابله با سوءاستفاده‌گری استفاده نمود. این عملکرد نارضایتی کنگره را به همراه داشت؛ به نحوی که در گزارش ضمیمه لایحه قانونی داد - فرانک آمده است:

«هیئت‌مدیره فدرال رزرو علی‌رغم درخواست‌های مکرر، نتوانست به مسئولیت‌های خود بر اساس قانون «حمایت از مالکیت و مازاد ارزش عین مرهونه» عمل کند (S.REPT. NO. 111-176, 2010: 15) علی‌رغم سوءاستفاده‌های گسترده در بازار وام‌های درجه دو و میلیارد‌ها دلار آسیبی که به واسطه وام‌های غارتگرانه بر مصرف‌کنندگان تحمیل شده است، هیئت‌مدیره هرگز خارج از چارچوب هزینه‌های بالا مقررات اجرایی را تصویب نکرده است. به صراحت می‌بایست گفت که هیئت‌مدیره فدرال رزرو کار خود را انجام نداده است.» (S.REPT. NO. 111-176, 2010: 27)

بر همین اساس بود که در سال ۲۰۱۰ کنگره به موجب قانون داد - فرانک، خود اقدام به ارائه

² Truth in Lending, 73 Fed. Reg. 1672, 1676 (Jan. 9, 2008)

³ Telemarketing and consumer fraud and abuse prevention Act

و به دنبال تملک و استفاده از آن می‌باشد. (Legal Match, Equity-Stripping)

¹ Truth in Lending, 73 Fed. Reg. 1672, 1674-75 (Jan. 9, 2008).

۲) تفسیر مصرف‌کننده از آن ارائه، حذف یا اقدام باید در شرایط موجود منطقی و متعارف باشد.

۳) ارائه، حذف یا اقدام گمراه‌کننده، باید اساسی و بااهمیت باشد (FTC Policy Statement on Deception, 1983).

برخی از نویسندگان معتقدند که افزودن ممنوعیت سوءاستفاده به منظور رفع نواقص موجود در «قانون کمیسیون تجارت فدرال» بوده است؛ زیرا ممنوعیت‌های غیرمنصفانه یا فریبنده معمولاً وضعیت‌های نسبتاً شدیدی را در بر می‌گرفتند که به طور مضیق تفسیر می‌شوند. به عنوان مثال، در زمینه اعطای وام‌های مسکن که منجر به بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ شد، وام‌دهندگان توانستند با موفقیت استدلال کنند که اعطای برخی از این وام‌ها مشمول ممنوعیت غیرمنصفانه یا فریبنده نمی‌شود (J. Canzona, 2018:66). با این حال حتی پیش از بروز بحران مالی، برخی مقامات دولتی در خصوص شکاف‌ها و نقاط ضعف ممنوعیت‌های موجود و نیاز به سازوکارهای اجرایی بیشتر هشدار داده بودند. (S. Lee, 2011, 118: 120)

۲،۲،۱ مفهوم سوءاستفاده

بر اساس بند د ماده ۱۰۳۱ قانون داد - فرانک سوءاستفاده در دو حالت قابل تصور است:

۱) زمانی که یک اقدام یا رویه به طور اساسی^۵ در توانایی مصرف‌کننده در درک یک اصطلاح یا شرایط یک محصول یا خدمت مالی مصرف‌کننده اختلال ایجاد می‌کند. یا

۲) زمانی که یک اقدام یا رویه مزایای غیرمنطقی کسب کند از:

- عدم درک مصرف‌کننده از خطرات مهم، هزینه‌ها یا شرایط محصول یا خدمت؛

کرد^۱. بااین‌حال تنظیم‌گران بانکی پس از تصویب داد - فرانک این اختیار را در رابطه با موسسات سپرده-گذاری بیمه‌شده یا اتحادیه‌های اعتباری با دارایی کمتر از ۱۰ میلیارد دلار حفظ کردند (J. Canzona, 2018: 62).

بند ج ماده ۱۰۳۱ قانون داد-فرانک ممنوعیت غیرمنصفانه را مشابه بیانیه خطامشی ۱۹۸۰ کمیسیون تجارت فدرال^۲ تعریف کرده است. یک عمل یا رویه زمانی غیرمنصفانه است که این سه شرط را به‌طور همزمان داشته باشد:

۱) باعث صدمات قابل‌توجهی به مصرف‌کنندگان شده یا احتمال رود که منجر به صدمات قابل‌توجه گردد؛

۲) این صدمات به طور متعارف توسط مصرف-کنندگان قابل اجتناب نباشد و

۳) این صدمات با منافع متقابل برای مصرف-کنندگان یا رقابت جبران نشده باشد.^۳

علی‌رغم آن که قانون داد-فرانک در ماده ۱۰۳۱ به دفتر اختیار مقابله با اقدامات و رویه‌های فریبنده را می‌دهد و در ماده ۱۰۳۶ نیز اشخاص مشمول را از پرداختن به این امور منع می‌نماید، لکن تعریفی از این مفهوم ارائه نمی‌دهد. می‌توان استنباط نمود که داد-فرانک، درصدد تغییر تعریف فریبنده از آنچه پیشتر در بیانیه خطامشی ۱۹۸۳ کمیسیون تجارت فدرال^۴ آمده، نبوده است؛ به خصوص آن‌که راهنمای نظارت و بازرسی دفتر نیز همین تعریف را پذیرفته است. برای فریبنده تلقی شدن یک اقدام یا رویه سه شرط وجود دارد:

۱) عرضه، حذف یا اقدام باید مصرف‌کننده را گمراه کند یا احتمال رود که مصرف‌کننده را گمراه کند.

^۴ FTC Policy Statement on Deception 1983

^۵ materially

^۱ Dodd-Frank 1025 (a), 1061

^۲ FTC Policy Statement on Unfairness 1980

^۳ Dodd-frank 1031 (c)

که اطلاعات مرتبط با توانایی فهم و درک مصرف-کننده از شرایط و ضوابط مهم را محو یا پنهان نموده یا مورد تأکید قرار نمی‌دهد یا این اطلاعات را برای مصرف‌کننده، گیج‌کننده می‌نماید (Policy Statement, 2023:5).

اختلال می‌تواند در قالب‌های مختلف رخ دهد. ایجاد اختلال می‌تواند از طریق افشای مدفون^۳ اطلاعات باشد به گونه‌ای که برخی اطلاعات مهم با رسم‌الخط ریز یا زبان پیچیده یا اصطلاحات تخصصی بیان شود و بر درک مصرف‌کننده تأثیر گذارد. یکی دیگر از آشکال اختلال، تحت‌الشعاع قراردادن^۴ است؛ بخشی از محتوا به گونه‌ای برجسته شده یا مورد تأکید قرار گیرد که در درک مطالب دیگر، از جمله شرایط و ضوابط اختلال ایجاد کند. همچنین اختلال ممکن است از طریق رفتارهای فیزیکی یا دیجیتالی باشد. رفتار فیزیکی هرگونه رفتار مادی است که توانایی فرد را برای دیدن، شنیدن یا درک شرایط و ضوابط، از جمله پنهان کردن یا خودداری از انتشار اطلاعات، مختل کند. اختلال دیجیتال می‌تواند شامل موانعی برای توانایی فرد برای دیدن، شنیدن یا درک شرایط و ضوابط در بسترهای الکترونیکی یا مجازی باشد. برای مثال، این نوع از اختلال شامل دستکاری رابط کاربری مانند استفاده از پنجره‌ها یا کتوهای بازشونده، یا الگوهای تاریک^۵ است (Policy Statement, 2023:5). الگوهای تاریک ترفندهای طراحی و دیگر تاکتیک‌های روان‌شناختی هستند که برای گیج‌کردن و دستکاری افراد برای انتخاب گزینه‌هایی استفاده

- یا ناتوانی مصرف‌کننده در حفاظت از منافع خود در انتخاب یا استفاده از محصول یا خدمت مالی مصرف‌کننده؛
- یا اتکای معقول مصرف‌کننده به شخص مشمول^۱ برای اقدام در جهت منافع او

بیانیه خطامشی سوءاستفاده^۲ که دفتر در آوریل ۲۰۲۳ راجع به ممنوعیت سوءاستفاده منتشر نمود، بیان داشته که سوءاستفاده را از منظر قانون می‌توان در دو عنوان خلاصه کرد: (۱) پنهان کردن ویژگی‌های مهم یک محصول یا خدمت یا (۲) اعمال نفوذ در شرایط خاص برای به دست آوردن یک مزیت غیرمنطقی. این بیانیه مزیت غیرمنطقی را در سه موقعیت خلاصه می‌نماید: (۱) گسست و شکاف در درک (۲) قدرت چانه‌زنی نابرابر و (۳) اعتماد و اتکای مصرف‌کننده (Policy Statement, 2023:4). این بیانیه گرچه به نظر برخی انطباق کامل با رویه‌های پیشین دفتر ندارد (Mayerbrown, 2023)، لکن می‌تواند تصویری نسبتاً روشن از طرز تفکر دفتر نسبت به ممنوعیت سوءاستفاده ارائه دهد. در ادامه دو معیار قانونی برای تحقق عنوان سوءاستفاده بررسی می‌گردد.

۲،۲،۱،۱ اختلال اساسی در ادراک مصرف‌کننده
معیار نخست تحقق سوءاستفاده، اختلال (مداخله) اساسی در قوه‌ی ادراک مصرف‌کنندگان است. اختلال ممکن است ناشی از فعل یا ترک فعل اشخاص مشمول باشد. از منظر بیانیه، اختلال اساسی می‌تواند از طریق افعال یا ترک‌افعالی باشد

نوپدید سوءاستفاده تا کنون دو بار اقدام به انتشار بیانیه خط-مشی سوءاستفاده نموده است. بیانیه نخست در سال ۲۰۲۰ منتشر و در سال ۲۰۲۱ لغو شد. بیانیه دوم که در این مقاله از آن به عنوان بیانیه یاد می‌شود در ۳ آوریل ۲۰۲۳ منتشر شد که علی‌رغم الزام‌آور نبودن، همچنان معتبر است.

³ Buried disclosure

⁴ Overshadowing

⁵ Dark patterns

^۱ اصطلاح شخص مشمول در بند ۶ ماده ۱۰۰۲ تعریف شده است: (۶) شخص مشمول. - اصطلاح «شخص مشمول» به معنای

(الف) هر شخصی مشغول ارائه یا تهیه یک محصول یا خدمات مالی مصرف‌کننده است.

(ب) هر یک از افراد وابسته به شخصی که در بند قبل شرح داده شده مشروط به آن که شخص وابسته نیز به عنوان ارائه‌دهنده خدمات به شخص مذکور عمل کند.

^۲ دفتر در راستای وظیفه‌ی اجرای ممنوعیت‌های مصرح در قانون داد-فرانک و به خصوص تفسیر رفع ابهامات ممنوعیت

(Statement, 2023: 6) با این حال، برخی نویسندگان موضع این بیانیه در قبال ایجاد یک تفسیر موسع از اختلال اساسی در قانون داد-فرانک را مورد انتقاد قرار داده‌اند؛ زیرا شق نخست از بند «د» ماده ۱۰۳۱ داد - فرانک صرفاً حالتی را اختلال اساسی در درک مصرف‌کننده می‌داند که در آن واقعا اختلال و نارسایی محقق شده باشد (Mayerbrown, 2023).

بیانیه همچنین تصریح می‌نماید که برخی شرایط یک محصول یا خدمت مالی دارای آن سطح از اهمیت است که صرف این که به طور واضح به اطلاع مصرف‌کننده نرسد، اختلال اساسی محقق می‌گردد؛ مانند اطلاعات مربوط به هزینه‌ها و مخارج یک محصول یا عواقب عدم ایفای تعهدات مصرف‌کننده. علاوه‌براین ممکن است یک محصول مالی به-خودی‌خود آن قدر پیچیده باشد که اطلاعات اساسی آن را نتوان به طور کافی شرح داد، در این صورت نیز اختلال اساسی در درک مصرف‌کننده مفروض است (Policy Statement, 2023: 7). بنابراین ارائه برخی محصولات، ممکن است ذاتاً سوءاستفاده تلقی شود.

۲،۲،۱،۲ کسب مزایای غیرمنطقی

بر اساس قسمت دوم از بند «د» ماده ۱۰۳۱ قانون داد - فرانک، بهره‌برداری غیرمنطقی از برخی شرایط خاص می‌تواند سوءاستفاده تلقی شود. یک مزیت می‌تواند شامل انواع امتیازات مالی یا غیرمالی برای شخص مشمول باشد از جمله افزایش سهم بازار، درآمد، صرفه جویی در هزینه، سود، افزایش اعتبار و شهرت تجاری و... با این حال، ملازمه‌ای میان کسب مزیت برای موسسه اعتباری و ایراد خسارت مصرف‌کننده وجود ندارد؛ به این معنا که ممکن است منافع ناروا برای بانک بدون هیچ خسارت مالی به مصرف‌کننده باشد (باقری ورحمانی، ۱۳۹۶: ۳۸). در مورد این که چه مزیتی غیرمنطقی است، قانون داد -

می‌شوند، که اگر این تاکتیک‌ها به کار گرفته نمی‌شد، انتخاب نمی‌شدند. این الگوها، اهرم‌های جدید برای گیج‌کردن مصرف‌کننده هستند؛ لذا بیانیه با ذکر این مصادیق به دنبال رفع دغدغه‌ی کنگره نسبت پنهان‌کاری در ارائه محصولات و خدمات است (Chopra, 2024: 633).

نمونه‌ای از معیار اختلال اساسی در درک مصرف‌کننده را می‌توان در پرونده شکایت دفتر علیه شرکت مالی NDG^۱ (در سال ۲۰۱۵) ملاحظه کرد. در این قضیه، دفتر بر مبنای ممنوعیت سوءاستفاده طرح دعوا نمود. شرکت NDG به اشخاص وام‌های کوتاه مدت از ۱۰۰ تا ۱۵۰۰ دلار پرداخت می‌نمود که بهره آن ۲۰ دلار به ازای هر ۱۰۰ دلار وام بود. در این نوع وام‌ها، شرکت وام‌دهنده مجوزهای لازم را اخذ نکرده، افزون بر آن که از مقررات مربوط به نرخ بهره نیز تبعیت نمی‌نمود. بعد از اعطای وام، شرکت مبادرت به جمع‌آوری مطالبات کرد در حالی که قانوناً این وام‌ها بی‌اعتبار بوده و جمع‌آوری و وصول آن نمی‌توانست تابع مقررات جمع‌آوری طلب باشد. در شکایت دفتر ادعا شده بود که اقدام وام‌دهنده موجب اختلال اساسی در درک مصرف‌کننده است، زیرا اعطای این نوع وام از نظر قانونی فاقد اعتبار و باطل بوده است (Nafcu, 2022: 13).

بیانیه، برای اثبات اختلال اساسی در ادراک مصرف‌کننده، سه حالت را پیش‌بینی می‌نماید بدون آن که فروض ممکن را محصور در همین سه مورد کند:

نخست گرچه قصد ایجاد اختلال اساسی شرط نیست، اما اگر یک واحد تجاری فعل یا ترک‌فعلی را به قصد این که در توانایی فهم مصرف‌کننده اختلال ایجاد نماید، انجام دهد، اختلال اساسی محقق شده است. دوم، زمانی که پیامد طبیعی یک فعل یا ترک-فعل جلوگیری از درک مصرف‌کننده است. سوم زمانی که یک فعل یا ترک‌فعل در واقع مانع درک مصرف‌کنندگان شده است (است Policy)

^۱ CFPB v. NDG Financial Corp

سوءاستفاده می‌نماید، لذا اثبات مورد نخست دشوارتر است (M. Corrigan, 2015: 132).

شکاف در درک «هزینه‌ها» شامل هزینه‌های پولی و آسیب‌های غیرپولی مانند اتلاف وقت یا آسیب به شهرت می‌شود. شکاف در درک «شرایط» شامل «شرایط، زمینه یا ویژگی یک محصول یا خدمت»، از جمله مدت زمانی که برای تحقق مزایای یک محصول یا خدمت مالی لازم است یا این موضوع که یک بدهی قانوناً قابل مطالبه است یا خیر (Policy Statement, 2023: 11).

مورد دوم کسب مزیت غیرمنطقی، مربوط به جایی می‌شود که مصرف‌کننده قادر به حفاظت از منافع خود در انتخاب یا استفاده از یک محصول یا خدمت مالی نباشد.^۲ این مورد مربوط به عدم وجود قدرت چانه‌زنی برای مصرف‌کننده است. عدم قدرت ممکن است در ناتوانی نسبت به انتخاب آزادانه‌ی ارائه‌دهنده خدمات یا محصولات باشد و یا می‌تواند ناتوانی نسبت به تعیین شرایط و مفاد قرارداد باشد. در هر صورت نفس عدم قدرت چانه‌زنی و نابرابری در موقعیت قراردادی منجر به تحقق ممنوعیت سوءاستفاده نمی‌شود؛ بلکه سوءاستفاده زمانی است که ارائه‌دهنده مزایای غیرمنطقی از این شرایط و موقعیت برتر کسب نماید. در یک نمونه در سال ۲۰۲۱، دفتر شرکت JPay را متهم به سوءاستفاده از طریق کسب منافع غیرمنطقی از مصرف‌کنندگان نمود. اشخاصی که از زندان آزاد می‌شدند برای بازپرداخت هزینه‌های کارت پیش‌پرداخت منحصر می‌بایست از خدمات این شرکت استفاده می‌کردند و این شرکت از طریق کارمزد و تحمیل هزینه‌های غیرضروری از ناتوانی اشخاص در انتخاب محصولات و خدمات سوءاستفاده می‌نمود (Chopra, 2021). (Chopra, 2024: 535).

مورد سوم مربوط به زمانی است که مصرف‌کننده به طور منطقی به شخص مشمول که محصول یا خدمتی را ارائه می‌دهد، اتکا و اعتماد می‌کند تا در

فرانک ساکت است. اما بیانیه دفتر، تصریح می‌نماید، نیازی نیست که میزان مزیت زیاد باشد تا غیرمنطقی تلقی شود؛ بلکه گاهی یک مزیت اندک با توجه به شرایط و اوضاع و احوالی که در آن تحصیل شده می‌تواند غیرمنطقی بوده و سوءاستفاده باشد (Policy Statement, 2023: 8).

مورد اول ممنوعیت کسب مزایای غیرمنطقی مربوط به جایی است که مصرف‌کننده درک درستی از خطرات مهم، هزینه‌ها یا شرایط یک محصول یا خدمت مالی ندارد.^۱ در این شرایط اگر ارائه‌دهنده محصول یا خدمت مالی، از عدم درک مصرف‌کننده منفعی برای خود تحصیل نماید، مرتکب سوءاستفاده شده است، حتی اگر عدم درک منتسب به ارائه‌دهنده نباشد. در حقیقت تفاوت اصلی این معیار از سوءاستفاده با معیار پیشین در دو نکته است. نخست آن‌که در این معیار نیازی نیست که عدم درک معلول فعل یا ترک فعل ارائه‌دهنده باشد؛ برعکس مورد پیشین که اختلال اساسی در ادراک می‌بایست در نتیجه‌ی اقدامات ارائه‌دهنده باشد. دیگر آن‌که در بهره‌برداری غیرمنطقی از عدم درک، ضروری نیست که اختلال در درک به صورت اساسی و مهم باشد. صرف عدم درک خطرات مهم، هزینه‌ها یا شرایط اگر منجر به مزیت غیرمنطقی باشد، سوءاستفاده است. دفتر در بیانیه، خاطرنشان می‌کند که شکاف در درک «خطرات مهم» شامل احتمال نکول و از دست دادن منافع آتی است (Policy Statement, 2023: 11). یعنی شخص مشمول از این‌که مصرف‌کننده درکی از خطر عدم توانایی خود در انجام تعهدات ندارد، کسب منفعت نماید؛ مانند آنچه پیش از بحران مالی در خصوص عدم امکان بازپرداخت وام مسکن رخ داد (Neil Bailly et al, 2008: 18). به نظر می‌رسد بر خلاف معیار اختلال اساسی در درک مصرف‌کننده که اغلب نیازمند احراز وقوع یک فعل مثبت است، معیار بهره‌برداری غیرمنطقی از عدم درک از انفعال مصرف‌کننده

² Section 1031 (d) 1B

¹ Section 1031 (d) 1 A

ز) جریمه مدنی همانطور که در بند «ج» ماده ۱۰۵۵ پیش‌بینی شده است.

در بند «ج»، برای تخطی از مقررات، قواعد یا دستورات کتبی که توسط دفتر اعلام می‌شود تا حداکثر روزانه پنج‌هزار، در صورت نقض ناشی از تقصیر (مانند بی‌احتیاطی) مقررات مالی فدرال مصرف‌کننده روزانه حداکثر بیست‌وپنج هزار دلار و در صورت نقض آگاهانه مقررات مذکور، حداکثر روزانه یک میلیون دلار به‌ازای هر روز تخلف، جریمه مدنی لحاظ شده است.

برای نمونه در سال ۲۰۱۴ دفتر و دادستانی کل فلوریدا شکایت مشترکی علیه شرکت خدمات آموزشی کالج^۳ به ثبت رساندند. درحقیقت علی‌رغم تضمین‌هایی که شرکت داده بود، نتوانست ارزیابی فردی صحیحی از وام‌های مصرف‌کنندگان ارائه دهد و آن‌ها را به درستی از گزینه‌هایشان برای ادغام وام‌ها به منظور کاهش بدهی وام‌های دانشجویی مطلع کند. در نهایت به سبب کسب مزایای غیرمنطقی از اتکا و اعتماد مصرف‌کننده (به این جهت که شرکت خود را مشاور معرفی کرده و هزینه دریافت نموده بود) همچنین اقدامات فریبنده، به پرداخت بیست‌وپنج هزار دلار به دفتر و پانزده‌هزار دلار به دادستان فلوریدا بابت جریمه مدنی محکوم شد (Lucas et al, 2016:751-3). در پرونده دیگری در سال ۲۰۱۵، دفتر شکایتی را به طرفیت شرکت PayPal^۴ تحت عنوان اقدامات ناعادلانه و سوءاستفاده‌گرایانه ثبت کرد. در این پرونده، شرکت خدمات پرداخت آنلاین ایمن را فراهم می‌کرد، اما بدون رضایت، اشخاص را در محصولات اعتباری ثبت‌نام کرد بدون آن‌که بتوانند نسبت به این موضوع تصمیم‌گیری نمایند. در نهایت شرکت به سبب کسب مزایای غیرمنطقی از ناتوانی مصرف‌کنندگان در انتخاب محصولات یا خدمات به پرداخت ۱۵ میلیون دلار غرامت به مصرف‌کنندگان و ۱۰ میلیون

راستای منافع او عمل نماید.^۱ نکته مهم در این معیار آن است که ساده‌لوحی مصرف‌کننده نمی‌تواند مبنایی برای ادعای سوءاستفاده باشد؛ بلکه او باید در یک چهارچوب منطقی و عقلایی به ارائه‌دهنده محصولات یا خدمات اعتماد کرده باشد. البته لازم نیست که خود ارائه‌دهنده تصریح کند که در راستای منافع مصرف‌کننده عمل می‌نماید اما زمانی که به این موضوع تصریح نماید، به طور قطع می‌توان منطقی بودن اتکا و اعتماد مصرف‌کننده را استنباط نمود. افزون بر این، در جایی که ارائه‌دهنده خدمات به نحوی عمل نماید که نشان دهد در راستای منافع مصرف‌کننده گام بر می‌دارد و یا در جایی که نقش واسطه یا نماینده مصرف‌کننده را ایفاء می‌نماید، اتکای منطقی قابل احراز است (Mayerbrown, 2023).

۲،۲،۲ ضمانت اجرای سوءاستفاده

دفتر با توجه به ماده ۱۰۵۴ داد - فرانک می‌تواند در صورت نقض مقررات مالی فدرال مصرف‌کننده، از جمله از طریق رویه‌ها و اقدامات سوءاستفاده‌گرانه، علیه ناقض برای جریمه مدنی یا هر سازوکار جبرانی دیگری که در قانون یا انصاف به رسمیت شناخته شده، طرح دعوا نماید. ماده ۱۰۵۵ سازوکارهایی که توسط دادگاه و یا حسب مورد دفتر می‌تواند اتخاذ شود برشمرده لکن تصریح نموده که محدود به این موارد نمی‌باشد:

الف) فسخ قرارداد یا اصلاح آن

ب) بازپرداخت یا استرداد مال غیرمنقول

ج) اعاده به وضع سابق

د) پرداخت غرامت^۲ یا استرداد عوائد نامشروع

ه) انتشار تخلف (نقض مقررات) به ضمیمه هزینه‌های مربوط به انتشار

و) ایجاد محدودیت برای فعالیت یا عملکرد اشخاص

^۳ CFPB v. College Education Services LLC

^۴ CFPB v. PayPal, Inc

^۱ Section 1031 (d) 1C

^۲ Disgorgement

جریمه مدنی محکوم شد-754:2016 Lucas et al, 755).

۳ موضع نظام حقوقی ایران

پیش از ورود به بحث سازوکارهای مقابله با سوءاستفاده در نظام داخلی، می‌بایست به این موضوع اشاره نمود که شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر نظام اقتصادی در ایران با ایالات متحده آمریکا متفاوت است. در ایالات متحده، پایین آوردن نرخ بهره در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ میلادی و رونق گرفتن بازار وام‌های مسکن سبب کمبود نقدینگی شد. در نتیجه این امر فدرال رزرو سیاست افزایش نرخ بهره بانکی را در پیش گرفت که به ترکیدن حباب در بازار مسکن در خلال سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ میلادی و بحران مالی ۲۰۰۸ منتهی شد. سیاست‌های اقتصادی که در قانون داد-فرانک متجلی شد، پاسخی به شرایط بحرانی ناشی از یک دوره تورم و سپس ترکیدن حباب بازار مسکن بود.

در نظام اقتصادی ایران، تورم و افزایش شدید قیمت‌ها و به طور متناظر کاهش ارزش پول، امری دائمی است. از این منظر می‌توان قائل شد که سیاست‌های ترمیمی بعد از وقوع بحران می‌تواند با شرایط فعلی اقتصاد ایران، تطبیق داده شود. در نظام اقتصادی ایالات متحده به علت پایین بودن نرخ تورم و کاهش ارزش تسهیلات، حمایت از مصرف‌کنندگان محصولات مالی و مقابله با سوءاستفاده-گری موسسات اعتباری توجیه‌پذیر است. در حالی-که در نظام اقتصادی ایران، حمایت افراطی از مصرف‌کنندگان بانکی می‌تواند به سوءاستفاده‌گری معکوس مصرف‌کننده منجر گردد با این حال، رفتار مصرف‌کننده در هر دو نظام حقوقی، تا حدی مشابه است. شکاف و اختلال در درک مصرف‌کننده نسبت به قراردادهای بانکی و شرایط حاکم از یک سو و قدرت نابرابر معاملی و خاصیت الحاقی بودن قرارداد از سوی دیگر زمینه‌های مشترکی را فراهم می‌آورد.

در حقوق ایران سوءاستفاده در اقدامات و رویه-های بانکی به عنوان یک نهاد مستقل و دارای

ضمانت اجرای مشخص آن‌گونه که در قانون داد-فرانک پیش‌بینی شده، تعریف نشده است. از این رو برای شناسایی موضع این نظام حقوقی، ابتداء مفهوم سوءاستفاده و سپس سازوکارهای موجود با کارکرد مشابه آنچه در نظام حقوقی آمریکا مورد مطالعه قرار گرفت، ارزیابی می‌گردد.

۳،۱ مفهوم اصطلاح سوءاستفاده

سوءاستفاده آن گونه که در ترمینولوژی حقوق تعریف شده است عبارت است از: «تصرف ناروا، انحراف از قانون و حق در استفاده از اعمال حق خود و یا مقام یا موقعیت خود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۲۰۸). در قوانین و مقررات نه تنها حوزه مالی بلکه در دیگر حوزه‌ها نیز این اصطلاح تعریف نشده، با این حال به کثرت استعمال شده است. در بند «ط» ماده ۴۵ قانون «اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی» (از این به بعد قانون اجرای سیاست‌های کلی)، اصطلاح «سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط» همچنین در بند ک همان ماده «سوءاستفاده از اطلاعات و موقعیت اشخاص» به کار رفته است. در ماده ۵۷۶ قانون «مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۷۵ کتاب پنجم (تعزیرات)، «سوءاستفاده از مقام»، در ماده ۵۸۱، «سوءاستفاده از شغل» در ماده ۶۷۳ «سوءاستفاده از سفید مهر یا سفید امضاء»، در ماده ۵۰۰ مکرر «سوءاستفاده جنسی» دیده می‌شود. در بند الف ماده ۱ قانون «ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد»، «سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات» به عنوان مصداقی از فساد ذکر شده است. همانطور که مشخص است سوءاستفاده در ادبیات تقنینی نیز از این تعریف اصطلاحی دور نمانده و ممکن است از طریق انحراف در اعمال حق رخ داده یا در نقض یک الزام قانونی محقق شود.

۳،۲ نهادهای حقوقی با کارکرد مشابه

افزون بر مواردی که در قانون صریحا سوءاستفاده منع شده است، می‌توان ساختارهایی را در نظام حقوقی ایران برشمرد که کارکردی شبیه به ممنوعیت

آن تن می‌دهد (انصاری، ۱۳۹۰: ۳۰).^۱ غیرعادلانه بودن قرارداد می‌تواند ناشی از تحمیل تعهدات اصلی (عوضین) یا فرعی (شروط) غیرمتعارف یا نحوه اجرای قرارداد باشد. این ساختار از ماده ۱۷۹ «قانون دریایی»^۲ قابل استنباط است. در بند ۸ ماده ۵۴ همان قانون شرط تحدید یا سلب مسئولیت متصدی باربری یا کشتی به عنوان یک شرط تحمیلی به ضرر مصرف‌کننده باطل اعلام شده است. سوءاستفاده از اضطرار با بخش دوم از قسمت دوم بند «د» ماده ۱۰۳۱ قانون داد - فرانک راجع به «کسب مزایای غیرمنطقی در نتیجه‌ی ناتوانی مصرف‌کننده در حفاظت از منافع خود» قابل قیاس است. به نظر می‌رسد که دامنه‌ی سوءاستفاده از اضطرار محدودتر از کسب مزایای غیرمنطقی در نتیجه‌ی ناتوانی است؛ زیرا ناتوانی مفهومی اعم از اضطرار می‌باشد و اثبات اوضاع و احوال اضطراری دشوارتر است. در صورتی که بتوان از ماده ۱۷۹ قانون دریایی یک نظریه عمومی در خصوص منع سوءاستفاده از اضطرار، اصطیاد نمود می‌بایست قائل شد که سوءاستفاده از اضطرار از طریق نظارت قضایی (ابطال یا تغییر قرارداد از سوی دادگاه) قابل کنترل است.

۳،۲،۲ سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط

به موجب ماده ۴۳ الزامات فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی شامل تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های عمومی، خصوصی و تعاونی است؛ در نتیجه مقررات این فصل در قبال بانک‌ها و دیگر موسسات اعتباری خصوصی و دولتی^۳ مجری است.

یکی از طرفین قرارداد بر اثر حيله یا خدعه یا اغفال جلب شده است و یا اجرت مذکور در قرارداد ذکر شده به نسبت خدمت انجام یافته فوق‌العاده زیاد و یا کم است دادگاه می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین قرارداد را تغییر داده و یا بطلان آن را اعلام نماید.»

^۳ وفق ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی (اصلاحی ۱۳۹۷) موسسه اعتباری در معنای عام، اعم از بانک‌ها (دولتی و خصوصی) و موسسات اعتباری غیربانکی غیردولتی است. برای

سوءاستفاده در حقوق ایالات متحده دارد. مواردی چون سوءاستفاده از اضطرار و خیراتی چون تدلیس، غبن و عیب از سازوکارهای مقابله با سوءاستفاده در قرارداد است. با این حال، پیشرفت جوامع و گسترش تجارت، صنعت و فناوری از یک سو تعادل سنتی میان طرفین قرارداد که پیش‌شرط عدالت معاوضی است را از میان برداشت و از سوی دیگر سبب ایجاد قراردادهای پیچیده‌ای شد که واجد جنبه‌های فنی است. یکی از مهم‌ترین این موارد، قراردادهای مصرف است که عموماً استاندارد بوده و به طور تقریباً غیرقابل مذاکره منعقد می‌شود، در این شرایط سازوکارهای پیش‌گفته برای جلوگیری از سوءاستفاده در قرارداد نمی‌تواند توازن و تعادل را برقرار کنند؛ بنابراین پیش‌فرض کفایت عدالت معاوضی با چالش مواجه شد و قوانین و مقرراتی پیش‌بینی شد که با مداخله در قراردادها از سوءاستفاده یکی از طرفین پیش‌گیری نماید. در ادامه نهادهای مشابه از حیث کارکرد مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۳،۲،۱ سوءاستفاده از اضطرار

«سوءاستفاده از اضطرار قراردادی» یا بهره‌برداری ناروا از اضطرار و درماندگی شخص در مقام انعقاد قرارداد (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۵۰۹) به معنای حالتی است که یک طرف قرارداد به علت اوضاع و احوال خاص، نیاز مبرم اجتماعی یا شخصی به تعهدات طرف دیگر به ناچار با او قرارداد منعقد نماید (باریکلو، ۱۳۸۲: ۲۶) و طرفی که ناچار به انعقاد قرارداد نباشد، از وضعیت طرف مقابل سوءاستفاده نموده و قرارداد غیرعادلانه منعقد می‌نماید و شخص مضطر در نتیجه اضطرار، بر خلاف رضایت خود به

^۱ سوءاستفاده از اضطرار می‌تواند در نتیجه استفاده تحمیل شروط اجحاف آمیز با سوءنیت یا ایجاد شرایط اضطراری برای طرف مقابل به منظور بهره‌برداری ناروا از این شرایط باشد (ابهری و فلاح خاریکی، ۱۳۹۹: ۲۵-۲۶).

^۲ «هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرائط آن به تشخیص دادگاه غیرعادلانه باشد ممکن است به تقاضای هر یک از طرفین به وسیله دادگاه باطل و یا تغییر داده شود. در کلیه موارد چنانچه ثابت شود رضایت

در قبال رویه‌های ضد رقابتی، از جمله موارد مذکور در ماده ۴۵ می‌تواند تصمیماتی را اتخاذ نماید. یکی از این تصمیمات، «دستور به فسخ هر نوع قرارداد، توافق و تفاهم متضمن رویه‌های ضد رقابتی موضوع مواد ۴۴ تا ۴۸ این قانون» است. در نتیجه شورای رقابت می‌تواند دستور فسخ قرارداد بانکی حاوی شروط غیرمنصفانه را صادر نماید.

به عقیده برخی از نویسندگان، منظور از دستور به فسخ همان حکم به فسخ می‌باشد نه آن که طرفین خود ايقاع فسخ را جاری نمایند. مبنای آن که از دستور به جای حکم استفاده شده است نیز ماهیت غیردادگستری شورا می‌باشد (غفاری‌فارسانی، ۱۳۹۸: ۴۴۹). علاوه بر این مشروط کردن قرارداد به شروطی که ارتباطی با ماهیت تجاری ندارند نیز از موارد سوءاستفاده از موقعیت برتر وضعیت مسلط است. ممکن است این گونه شروط به خودی خود غیرمنصفانه نبوده واجد منافع برای مصرف‌کننده باشد اما به دلیل تحمیلی بودن منع شده است.

۳،۲،۳ تحمیل شروط غیرعادلانه، غیرمنصفانه و اجحاف‌آمیز

الزامات قانون «حمایت از حقوق مصرف‌کننده»، کلیه موسسات اعتباری بانکی و غیربانکی را در برمی‌گیرد.^۵ در بند ۵ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان تحمیل شرایط غیرعادلانه به عنوان مصداقی از تبانی شناخته شده و در ماده ۸ در عرض تبانی در صورتی که منجر به کاهش عرضه یا پایین آوردن کیفیت یا افزایش قیمت شود، جرم‌انگاری شده است. بند ۵ ماده ۱ مقرر داشته: «تبانی، هرگونه سازش و مواضع بین عرضه‌کنندگان کالا و خدمات به منظور افزایش قیمت یا کاهش کیفیت یا محدود نمودن تولید یا عرضه کالا و خدمات یا

در بند «ط» ماده ۴۵ ممنوعیت «سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط» مقرر شده و برای آن شش روش احصاء شده است.^۱ وضعیت اقتصادی مسلط در بند ۱۵ ماده ۱ قانون مذکور تعریف شده است: «وضعیتی در بازار که در آن توانایی تعیین قیمت، مقدار عرضه یا تقاضای کالا یا خدمات یا شرایط قرارداد در اختیار یک یا چند شخص حقیقی یا حقوقی قرار گیرد». سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط در ادبیات حقوقی رقابت شامل سوءاستفاده استثمارگرانه، ضدرقابتی و تلافی‌جویانه می‌گردد (عبدی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۳۵، ۱۳۶). در میان شش روش مصرح، سه مورد که در دسته سوءاستفاده‌ی استثمارگرانه^۲ مستقیماً در قبال مصرف‌کنندگان است عبارت است از: ۱. تعیین، حفظ یا تغییر قیمت یک کالا یا خدمت به طور غیرمتعارف، ۲. تحمیل شرایط غیرمنصفانه، ۳. مشروط کردن قراردادها به شرایطی که از نظر ماهیتی یا عرف تجاری، ارتباطی با موضوع چنین قراردادهایی ندارد.

یک بنگاه اقتصادی مانند بانک در صورتی که مرتکب یکی از اعمال مذکور منجر به اختلال در رقابت گردد^۳، از موقعیت اقتصادی مسلط سوءاستفاده نموده است. یکی از مصادیق اختلال در رقابت^۴، اقداماتی است که موجب اضرار به عموم گردد. بر این اساس در صورتی که بانک در قرارداد مربوط خدمات خود، شروط غیرمنصفانه یا غیرمرتبط با موضوع قرارداد درج نماید، مرتکب سوءاستفاده از موقعیت مسلط شده است.

یکی دیگر از موارد مرتبط، سوءاستفاده از اطلاعات و سوءاستفاده از موقعیت اشخاص به نفع خود یا اشخاص ثالث موضوع بند «ک» ماده ۴۵ است. به موجب ماده ۶۱ این قانون، شورای رقابت

² Exploitative abuse

^۳ صدر ماده ۴۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی

^۴ بند ۲۰ ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی

^۵ بند ۲ ماده ۱، ماده ۶ قانون «حمایت از مصرف‌کنندگان».

همچنین ن.ک به (باقری و رحمانی، ۱۳۹۹: ۴۴).

مطالعه بیشتر در خصوص ماهیت موسسه اعتباری در معنای عام ن.ک (جعفری، ۱۳۹۹: ۴۸).

^۱ برخی نویسندگان بر این عقیده‌اند که علی‌رغم ظاهر احصایی، مصادیق مصرح در بند «ط» جنبه تمثیلی داشته و موارد مذکور قابل توسعه است (رهبری و حسینی سنگانی، ۱۳۹۸: ۲۸).

معادل بطلان نسبی تعبیر نموده‌اند (کاظم‌پور، ۱۳۹۲: ۲۹۰). نظریه مشورتی شماره ۹۳/۱۱۵/۱۸۹۹ نیز این شروط را فاقد هرگونه اثر و کأن لم یکن دانسته است.

یکی از مقرراتی که می‌تواند در راستای مقابله با سوءاستفاده در رویه‌ها و اقدامات بانکی مورد استناد قرار گیرد، مصوبه شورای عالی اداری شماره ۱۱۲۷۱۲۸ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۰۹ در خصوص منشور حقوق شهروندی است.^۲ در این مصوبه یکی از حقوق شهروندان، حق مصون بودن از شروط اجحاف‌آمیز در توافقات، معاملات و قراردادهای اداری است. بند ۱ ماده ۱۰ این مصوبه، دستگاه‌های اجرایی را از تحمیل قراردادهای اجحاف‌آمیز منع می‌کند و در تعریف قراردادهای اجحاف‌آمیز مقرر داشته است: «قراردادی است که به موجب آن دستگاه اجرایی با استفاده از موقعیت برتر خود یا ضعف طرف مقابل، شرایط غیرعادلانه‌ای را به ایشان تحمیل کند». این مقرر را می‌توان تنها تعریف رسمی از قرارداد اجحاف‌آمیز دانست.

موقعیت برتر یا غالب قراردادی در نتیجه‌ی عواملی چون عدم توازن قدرت، اطلاعات، منابع، دانش ناکافی و نیاز مصرف‌کننده خدمات مالی و... به وجود می‌آید و سبب می‌شود یکی از طرفین قرارداد (برای مثال بانک) توان آن را داشته باشد که اراده خود را به طرف دیگر قرارداد تحمیل نماید (حسینی صدرآبادی و جمالی، ۱۴۰۰: ۵۳، ۵۴). در این صورت، طرف مقابل، طرف ضعیف‌تر شمرده می‌شود و به علل مذکور قدرت‌چانه‌زنی برای حفظ منافع خود را از دست می‌دهد. این امر موجب انعقاد قراردادی یک طرفه با شروط ناعادلانه می‌شود. در حقیقت، قرارداد اجحاف‌آمیز، قراردادی است که در آن یکی از طرفین، می‌تواند از موقعیت برتر خود و حق آزادی قرارداد و انعقاد قرارداد، سوءاستفاده

تحمیل شرایط غیرعادلانه بر اساس عرف معاملات». شرایط غیرعادلانه اگر در نتیجه تبانی بین ارائه‌دهندگان کالا یا خدمات باشد و همچنین منجر به ورود خسارت به مصرف‌کننده شود، قابل تعقیب جزایی در سازمان تعزیرات حکومتی وفق ماده همان قانون است. قابل ملاحظه است که قیود متعددی چون تحقق مواضع و تبانی، همچنین تأکید بر ورود خسارت به مصرف‌کننده به جای کسب مزیت برای ارائه‌دهنده خدمات، دامنه حمایت از مصرف‌کنندگان را محدود ساخته است. لازم به ذکر است که شروط و قرارداد ناعادلانه ناشی از تبانی، از بُعد مدنی صحیح، لازم و غیرقابل فسخ است (تقی‌پوردرزی-نقیبی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۴).^۱

ماده ۴۶ قانون «تجارت الکترونیکی»، بدون آن که شروط غیرمنصفانه را تعریف نماید، ضمانت اجرای عدم تأثیر را برای «شروط غیرمنصفانه به ضرر مصرف‌کننده»، مقرر داشته است. این قانون، حاکم بر مبادلات تجاری از طریق واسطه‌های الکترونیکی است؛ بنابراین، صرف‌نظر از آن که بتوان نظریه عمومی در خصوص شروط غیرمنصفانه در حقوق مصرف از این ماده استنباط نمود، خدمات بانکی که برای مقاصد غیرحرفه‌ای و شغلی مورد استفاده قرار می‌گیرند، در صورتی که در این بستر ارائه شود، ملزم به تبعیت از مقررات قانون تجارت الکترونیکی هستند (السان، ۱۳۹۹: ۱۴۵ و ۱۴۶). شروط غیرمنصفانه از جمله شروطی است که در بیشتر موارد در اثر ناتوانی مصرف‌کننده در حفاظت از منافعش به او تحمیل می‌شود؛ بنابراین یکی از نتایج سوءاستفاده در قراردادهای مصرف است. ضمانت اجرای غیرموثر - که ضروری است از سوی دادگاه کنترل و نظارت شود- در حقوق ایران فاقد سابقه مشخص است. از این رو برخی آن را غیرقابل استناد (عادل، شمس‌اللهی، ۱۳۹۷: ۲۲۸) و برخی دیگر،

^۲ شورای عالی اداری به موجب ماده ۱۱۴ قانون «مدیریت خدمات کشوری» تشکیل می‌شود. مصوبات این شورای عالی، پس از تأیید رئیس جمهور (برای دستگاه‌های اجرایی) لازم‌الاجرا است.

^۱ برای نظر مخالف که شرط را باطل می‌داند ن. ک به مرتضی عادل، محسن شمس‌اللهی، شروط غیرمنصفانه در قراردادهای مصرف‌کننده، پژوهش حقوق خصوصی، ۷ (۲۵)، ۱۳۹۷، ۲۲۹.

بررسی قراردادهای نمونه بانکی موید وجود تعداد بی‌شماری از قراردادها است که به علت یکجانبه بودن به نفع بانک یا موسسه اعتباری، اجحاف‌آمیز تلقی می‌شوند. برای مثال ماده ۲۸ فرم قرارداد مضاربه مصوب ۱۳۹۴/۰۸/۱۹ در هزار و دویست و دهمین جلسه شورای پول و اعتبار مقرر داشته: «عامل، ضامن/ضامنین، وثیقه‌گذار/گذاران حق هرگونه ایراد و اعتراضی را نسبت به مفاد قرارداد و نیز نسبت اقدامات اجرایی بانک/موسسه اعتباری برای وصول مطالبات خود و ایفاء تعهدات عامل در هر مرحله از مراحل عملیات اجرایی از خود سلب و اسقاط نمودند». این شرط از این حیث که حق اعتراض و مراجعه به مراجع قضایی را از مشتریان سلب می‌نماید، بر خلاف بند «۵» مصوبه شورای عالی اداری است.

ماده ۲۴ لایحه قانون تجارت مصوب ۱۴۰۳ در صورتی که به تصویب برسد، پا را از متون قانونی پیشین فراتر گذاشته و مصادیقی را برای شروط غیرمنصفانه ذکر نموده است. این ماده مقرر داشته: «در موارد زیر، شرط مندرج در قرارداد، چنانچه موجب عدم تعادل نامتعارف بین حقوق و تکالیف طرفین گردد، غیرمنصفانه محسوب می‌شود و زیان دیده می‌تواند خواهان ابطال شرط شود: ۱- شرط مندرج در قرارداد بین مصرف‌کننده و صاحب حرفه، چنانچه شرط به زیان مصرف‌کننده باشد؛ ۲- شرط

نماید. بند ۲ ماده ۱۰ مواردی از شروط غیرعادلانه که سبب اجحاف‌آمیز شدن قرار می‌شود، بیان نموده است.^۱ بر اساس ماده ۲۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، «کلیه دستگاه‌های اجرایی مکلفند به منظور ایجاد تراضی و عادلانه نمودن قراردادهای قراردادهای الحاقی ... از فرم‌های یکنواخت استفاده نمایند». تبصره این ماده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را مکلف کرده است: «ظرف شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون فرم‌های یکنواختی برای هر یک از عقود اسلامی که منجر به اعطاء تسهیلات می‌شود، همچنین نحوه اعطاء تسهیلات و شیوه‌های اخذ ضمانت‌نامه از بخش‌های خصوصی و تعاونی متناسب با اعتبار سنجی مشتریان را تهیه کند و به تصویب شورای پول و اعتبار برساند و بر حسن اجرای آن نظارت نماید».

بنابراین، بانک‌های دولتی که وفق ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری جزو دستگاه‌های اجرایی محسوب می‌شود، مستقیماً می‌بایست بر اساس مصوبه شورای عالی اداری عمل نمایند. دیگر موسسات اعتباری خصوصی نیز با عنایت به آن که بانک مرکزی یکی از دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده مذکور است و این بانک مکلف به تدوین قراردادهای یکنواخت و نظارت بر بانک‌ها و دیگر موسسات اعتباری خصوصی است،^۲ به‌طور غیرمستقیم مشمول مصوبه‌ی شورای عالی اداری می‌شوند.

خود را مجاز بداند هر زمان که بخواهد یک‌طرفه قرارداد را فسخ کند بدون آنکه خسارت عادلانه‌ای از این بابت به طرف دیگر قرارداد بپردازد. ز. شرطی که به موجب آن، دستگاه اجرایی خود را حتی در صورت ارتکاب تقصیر، از مسؤولیت معاف سازد. ک. شرطی که به موجب آن، حقوق معنوی ناشی از مالکیت‌های فکری، بدون پرداخت بهای عادلانه به دستگاه اجرایی منتقل شود. ل. شرطی که بدون وجود هر گونه توجیه معقول، استفاده طرف قرارداد از تضمین یا بیمه‌ای که به موجب مقررات به نفع او برقرار شده است را غیرممکن یا بسیار دشوار سازد.»

^۳ بند ۱ ماده ۱ قانون «بانک مرکزی»، بانک‌ها و دیگر موسسات اعتباری دولتی و خصوصی را اشخاص تحت نظارت می‌نامد و ماده ۲۱ این نهاد را مکلف به نظارت، رسیدگی به تخلفات اشخاص تحت نظارت و اعمال مجازات در مورد آن‌ها می‌نماید.

^۱ «الف شرطی که به موجب آن، دستگاه اجرایی طرف مقابل خود را به انجام یا عدم انجام کاری متعهد می‌سازد که پیش از انعقاد قرارداد هیچ فرصتی برای آگاه شدن از مفاد آن شرط نداشته است. ب. شرطی از سوی دستگاه اجرایی که طرف مقابل آن به دلیل کهولت سن، بیماری، ناتوانی ذهنی، فشارهای روانی، کم‌سوادی، بی‌سوادی یا جهل نسبت به امور مرتبط، از ارزیابی مفاد یا آثار آن ناتوان باشد. ج. شرطی که به موجب آن، هیچ نسخه‌ای از قرارداد در اختیار طرف دیگر قرارداد قرار نمی‌گیرد. د. شرطی که به موجب آن، دستگاه اجرایی خود را مجاز می‌سازد تا در زمان تحویل کالا یا ارائه خدماتی که قرارداد آن قبلاً منعقد شده است، به تشخیص خود و رأساً قیمت را افزایش دهد. ه. شرطی که به موجب آن، دستگاه اجرایی، حق مراجعه به مراجع قضایی را از طرف دیگر سلب نماید. و. شرطی که به موجب آن، دستگاه اجرایی

نمود که سوءاستفاده در رویه و اقدامات بانکی به طور مصداقی منع شده است. بند الف ماده ۱۹ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» بانک‌ها و موسسات اعتباری دولتی یا خصوصی را ملزم به آزادسازی وثایق به نسبت بازپرداخت تسهیلات می‌نماید. این مقرر در راستای منع بانک‌ها از تداوم بی‌دلیل بخشی از وثیقه‌ها وضع شده است. بند ب همان ماده، نهادهای مذکور را از اخذ وکالت بلاعزل از تسهیلات‌گیرندگان و وثیقه‌گذاران منع می‌نماید. دیوان‌عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ سود بانکی مازاد بر نرخ مصوب بانک مرکزی را به عنوان مصداقی از شروط غیرمنصفانه بر خلاف قواعد آمره، باطل اعلام نموده است. در نظام حقوقی و بانکی ایران، نهاد متناظری برای دفتر حمایت مالی از مصرف‌کننده در ایالات متحده دیده نمی‌شود با این حال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نظارت گسترده‌ای بر بانک‌ها و دیگر موسسات اعتباری دارد از جمله نظارت بر انطباق عملیات و فعالیت‌های این نهادها با قانون، مقررات و دستورهای بانک مرکزی (السان، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

تبصره ۴ ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت نیز در راستای جلوگیری از سوءاستفاده بانک‌ها و موسسات اعتباری از وثایق، راهکار فروش سهام واحدهای تولیدی از طریق مناقصه را پیش‌بینی نموده است. بند دوم این تبصره با هدف پیش‌گیری از تملک ارزان اموال مورد وثیقه، در فرضی که دارایی مورد وثیقه با قیمت پایه کارشناس رسمی دادگستری مرضی‌الطرفین خریدار نداشته باشد، حداقل قیمت فروش از طریق مزایده را ۷۰٪ مبلغ پایه را با مجوز تجدید مزایده اعلام می‌دارد. بنابراین، در صورت عدم وجود خریدار، مال مورد وثیقه به ثمن خس و بهای ناچیز مورد تملک بانک یا موسسه اعتباری قرار نمی‌گیرد.

مندرج در قراردادی که یکی از طرفین در خصوص موضوع آن دارای انحصار است، چنانچه شرط به زیان طرف دیگر باشد؛^۳ شرط مندرج در قرارداد نمونه ارائه شده از سوی یکی از طرفین، چنانچه شرط به زیان طرف دیگر باشد». در این ماده ملاک غیرمنصفانه بودن یک شرط دو چیز عنوان شده است: ۱- عدم تعادل نامتعارف بین حقوق و تکالیف طرفین ۲- موجب زیان بودن شرط. در تمامی سه بند این ماده، شرط می‌بایست موجب زیان یکی از طرفین باشد. در صدر ماده نیز ذکر شده است که زیان‌دیده می‌تواند درخواست ابطال شرط را از دادگاه بنماید. بنابراین به نظر می‌رسد بر خلاف سوءاستفاده در حقوق آمریکا که در برخی مصداقی متوقف بر کسب مزایای غیرمنطقی است، در این لایحه قانونی سوءاستفاده از طریق ایراد زیان محقق می‌گردد. در تبصره نخست این ماده عرف، اهداف قرارداد، اوضاع و احوال حاکم و سایر شروط قرارداد معیاری برای تعیین عدم تعادل در حقوق و تکالیف ذکر شده است. بر اساس تبصره دو در صورتی که زیان‌دیده ابطال شرط را بخواهد با موافقت طرف مقابل دادگاه می‌تواند شرط غیرمنصفانه را تعدیل نماید.

ماده ۲۵ این لایحه، به طور مستقیم پاره‌ای از شروط به نفع صاحب حرفه^۱ را سوءاستفاده‌گرانه و در نتیجه به طور مطلق باطل (گأن لم یکن) اعلام نموده است که عمدتاً شروطی هستند که به وسیله سوءاستفاده از موقعیت برتر قراردادی صاحب حرفه تحمیل می‌شوند؛ برای مثال «شرطی که به صاحب حرفه حق فسخ دهد، چنانچه طرف مقابل در همان مورد فاقد این حق باشد».

۳،۲،۴ سایر مصداقی مقابله با سوءاستفاده

ممنوعیت سوءاستفاده در نظام بانکی ایران محدود به موارد پیش‌گفته نیست. با مراجعه به قوانین و مقررات این حوزه، می‌توان موارد دیگری را نیز پیدا

^۱ وفق تبصره ۱ ماده ۱ این لایحه، صاحب حرفه، شخصی که قرارداد را در چارچوب فعالیت حرفه‌ای خود منعقد می‌نماید، «صاحب حرفه» نامیده می‌شود.

بانک مرکزی بخش‌نامه‌های نظارتی متعددی را که در آن به نحوی با سوءاستفاده‌گری مقابله شده، صادر نموده است. برای مثال در بخش‌نامه شماره ۹۱/۶۲۶۶۸ مصوب ۱۳۹۱/۰۳/۱۰، بلوکه‌کردن بخشی از تسهیلات اعطایی به مشتریان ممنوع شده است. این موضوع در رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۸ با عنوان ابطال بند ۱ بخش‌نامه ۳/۹۹/۲۹۲ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۲ بانک سپه نیز منعکس شده است. دیوان عدالت اداری همچنین در تاریخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۰ به موجب دادنامه شماره ۶۴، ماده ۱۹ آیین‌نامه وصول مطالبات غیرجاری موسسات اعتباری با موضوع مسئولیت ضامن در پرداخت مطالبات غیرمستقیم ناشی از تسهیلات اعطایی را ابطال نمود.^۱

از بررسی نهادهای مقابله با سوءاستفاده این گونه قابل برداشت است که سوءاستفاده در اکثر موارد، در اثر سوءاستفاده از حق^۲ یا تجاوز از آن، محقق می‌شود؛ سوءاستفاده از حق به معنای سوءاستفاده در اجرا و اِعمال حق و ناظر به کیفیت کاربرد (خروج از حدود معنوی) حق می‌باشد، لکن تجاوز از حق به معنای خروج از قلمرو و چارچوب (حدود مادی) حق است (موحد، ۱۴۰۱: ۲۷). موسسه اعتباری گاه از حقوقی چون حق آزادی قراردادی در مراحل مختلفی همچون انتخاب طرف قرارداد (اعطای تسهیلات)، مذاکره و درج شروط تحمیلی (کریمی و کوشکی، ۱۴۰۰: ۲۳۸) همچنین حق بر اجرای قرارداد و استیفای مطالبات سوءاستفاده می‌نماید و گاه قانون را نقض نموده و با اقداماتی چون اخذ سود خلاف قانون و یا عدم فک رهن از حق تجاوز می‌نماید.

در نظام حقوقی ایران اصل ۴۰ قانون اساسی: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار

دهد»، می‌تواند موید این قاعده به حساب آید. سوءاستفاده از حق با معیارهای مختلفی شناخته می‌شود: گاه در معنایی حداقلی اضرار عمدی ملاک سوءاستفاده است و گاه نامتعارف بودن اعمال حق یا نامتعارف بودن ضرر ناشی از اعمال حق سوءاستفاده را محقق می‌سازد. از منظر دیگر تخلف از اهداف و اغراض اجتماعی، اقتصادی و... ایجاد یک حق، ملاک سوءاستفاده است (کریمی و شعبانی-کندسری، ۱۳۹۳: ۱۵۶). برخی از نویسندگان با وجود قاعده فقهی لاضرر، استناد به نظریه عاریتی سوءاستفاده از حق بدون توجیه دانسته‌اند (کریمی و شعبانی-کندسری، ۱۳۹۳: ۱۶۱). با این حال باید توجه نمود که مجرای قاعده لاضرر وقوع زیان است؛ لکن قاعده سوءاستفاده از حق همان‌گونه که اصل ۴۰ قانون اساسی برداشت می‌شود، متوقف بر ورود ضرر نیست.^۳ بنابراین دامنه سوءاستفاده از حق در برخی مصادیق اعم از لاضرر است. این موضوع از این حیث واجد اهمیت است که در ممنوعیت سوءاستفاده در حقوق آمریکا نیز در برخی شقوق ملاک تحقق سوءاستفاده نه ایراد زیان به مصرف-کننده بلکه کسب مزیت غیرمنطقی توسط موسسه اعتباری می‌باشد. قاعده منع سوءاستفاده از حق، می‌تواند در مواردی که نص خاصی برای مقابله با رویه‌ها و اقدامات سوءاستفاده‌گرانه وجود ندارد، به کارگرفته شود و دادگاه‌ها با استناد به این قاعده و مویدات آن در نصوص قانونی با این دست اقدامات و رویه‌ها مقابله نمایند.

۴ نتیجه‌گیری

ناکارآمدی سازوکارهای حقوقی حمایت از مصرف-کنندگان خدمات بانکی در ایالات متحده، یکی از مهم‌ترین علل بروز بحران مالی مسکن تلقی می-گردد. سوءاستفاده از ناتوانی مصرف‌کنندگان در درک هزینه‌ها و خطرات ناشی از اخذ وام مسکن

^۳ برای مشاهده نظری که ورود ضرر را شرط می‌داند ن. ک به (شهیدی، ۱۳۸۰: ۳۱-۶۲)

^۱ برای مطالعه بیشتر در این خصوص ن. ک به (جعفری، ۱۳۹۹: ۳۳۹ و ۳۴۰).

^۲ برای دیدن مصادیق متعدد سوءاستفاده از حق در قراردادهای بانکی ن. ک (السان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱-۲۴).

غبن و سوءاستفاده از اضطرار، می‌توان از نهاد سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط به عنوان یک رفتار ضدرقابتی نام برد که در برخی مصادیق قابل انطباق با رویه‌های سوءاستفاده‌گرانه موسسات اعتباری است. مصادیق پراکنده‌ای از منع تحمیل شروط ناعادلانه یا غیرمنصفانه بر مصرف‌کننده در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و قانون تجارت الکترونیکی نیز قابل سرایت به قراردادهای بانکی است. افزون‌براین، مقابله با مصادیق متعددی از سوءاستفاده در این حوزه از طریق استناد و اتکا به نظریه منع سوءاستفاده از حق امکان‌پذیر است. باین‌حال، خلأ مقررات جامع حمایت از مصرف‌کنندگان محصولات و خدمات بانکی غیرقابل انکار است. علی‌رغم تلاش‌های نهاد ناظر (بانک مرکزی) برای مقابله با رویه‌های سوءاستفاده‌گرانه موسسات اعتباری از طریق صدور بخش‌نامه، ضروری است در مقررات بالادستی سوءاستفاده از مصرف‌کننده از طریق ارائه معیارهای جامع برای رفتارهای اجحاف‌آمیز بانکی منع گردد. منع سوءاستفاده در فرایند اخذ وثیقه و تضمین از مصرف‌کننده، آزادسازی یا اجرای وثیقه و جمع‌آوری مطالبات بانکی می‌تواند در کنار پیش‌بینی شروط استاندارد منصفانه، مثر ثمر باشد. نهاد ناظر و تنظیم‌گر (بانک مرکزی) در نظام بانکی ایران واحد هستند و نهاد مستقل تخصصی جدای از ساختار نظام بانکی برای حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خدمات بانکی وجود ندارد. نحوه تدوین فرم‌های یکنواخت عقود اسلامی توسط بانک مرکزی نشان‌گر آن است که حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان بانکی از طریق نهاد ناظری که ممکن است در مقیاس کلان با موسسات اعتباری نفع مشترک داشته باشد، به طور کامل محقق نمی‌شود. پیش‌بینی نهاد حمایت از مصرف‌کنندگان خدمات بانکی که بتواند رویه‌های سوءاستفاده‌گرانه بانکی را رصد نموده و علیه این دست اقدامات به نفع مصرف‌کننده اقامه دعوا نماید، ضروری به نظر می‌رسد.

درجه دو با نرخ سود قابل تنظیم در کنار سوءاستفاده بانک‌ها از ناتوانی مصرف‌کننده در حفاظت از منافع خود و همچنین اعتماد و اتکای مصرف‌کنندگان به توصیه‌ها و مشاوره‌های بانک برای اخذ تسهیلات یا تأمین مالی مجدد وام‌های رهنی، سبب شد جمعیت کثیری از شهروندان آمریکایی در گرداب وام مسکن قرار گیرند که نتیجه‌ی عدم پرداخت اقساط آن، سلب مالکیت منازل مسکونی ۶ میلیون آمریکایی بود.

کنگره در مواجهه با این معضل و برای جلوگیری از تکرار فجایعی چون بحران وام مسکن ۲۰۰۸، قانون داد-فرانک را به تصویب رساند. یکی از دستاوردهای این قانون، تأسیس دفتر حمایت مالی مصرف‌کننده با اختیاری جدیدی برای ممنوع ساختن اقدامات و رویه‌های سوءاستفاده‌آمیز است. کنگره تلاش نمود با پیش‌بینی مفهوم ممنوعیت سوءاستفاده، شکاف-ها و خلأهای مقررات پیشین را مرتفع سازد. سوءاستفاده در این قانون، ممکن است در اثر ایجاد اختلال در درک مصرف‌کننده از شرایط اساسی یک محصول یا خدمت رخ دهد. همچنین کسب مزایا و منافع غیرمنطقی از عدم درک مصرف‌کننده، ناتوانی او در حفظ منافع خود و اتکای مصرف‌کننده به بانک یا موسسه اعتباری تحت عنوان سوءاستفاده ممنوع شد. ممنوعیت کسب مزیت غیرمنطقی ظرفیت تعقیب مصادیق متعددی از سوءاستفاده از موقعیت قراردادی را فراهم می‌نماید. در رویکرد جدید، نهادهای ناظر بر ارائه خدمات مالی، با اختیارات بیشتر می‌توانند با نقض حقوق مصرف‌کننده مقابله نموده و متخلفین را مورد تعقیب قرار دهند.

در نظام حقوقی ایران علی‌رغم فقدان نهاد جامع و مستقل در حوزه بانکی، سوءاستفاده موسسه-اعتباری از مصرف‌کنندگان با استناد به مقررات و سازوکارهای حقوقی مختلف قابل منع و پیگیری است. افزون بر استفاده از عموماًتی چون نظریات اکراه، اشتباه، جهل به عوضین و شروط، تدلیس،



منابع

- Abhari, H., Fallah Khariki, M. (2020). Unfair Terms in Electronic Commercial contracts in Iranian law and Europe, *Comparative Law Quarterly*, 4(5), pp.9-34. **[In Persian]**
- Adel, M., Shams-Allahi, M. (2018). Unfair terms in consumer contracts, *Private Law Research*, 7(25), pp. 205-234. **[In Persian]**
- Ansari, A. (2011). Abuse of emergency with an approach to Imam Khomeini's jurisprudential thought. *Matin Research Journal*, 13(55), pp.26-50. **[In Persian]**
- Abdipour, I. (2009). Abusing the dominant economic situation. *Islamic Law*, 6(21), pp.125-155. **[In Persian]**
- Bagheri, M., Rahmani, S. (2017). Protection of consumer rights in the banking system. Tehran: Research School of Money and Banking. **[In Persian]**
- Bagheri, M., Rahmani, S. (2020). Protection of consumer rights in the country's banking system with a focus on credit contracts. *Legal Research Quarterly*, 23(92), pp.43-70. **[In Persian]**
- Baily, N.M, Litan, R.E and S. Johnson, M. (2008). The Origins of the Financial Crisis, Business and Public Policy, November 2008. PP.1-48.
- Barikloo, A. (2003). guarantee of legal enforcement of abuse of the emergency situation of the contracting party. *Legal Thoughts*, 1(4), pp. 25-45. **[In Persian]**
- Canzona, S.J. (2018). "I'll Know It When I See It": Defending the Consumer Financial Protection Bureau's Approach of Interpreting the Scope of Unfair, Deceptive, or Abusive Acts or Practices ("UDAPP") Through Enforcement Actions. *Journal of legislation*, 45(3), pp.60-80.
- Carey, A. (2014). Abusive: Dodd-Frank Section 1031 and the Continuing Struggle to Protect Consumers. *St. John's Legal Studies Research*, Vol 85, pp.1104-1146.
- Chopra, R. (2021 October 19). CONSUMER FIN. PROT. BUREAU, Statement of the CFPB on the JPay Enforcement Action. <https://www.consumerfinance.gov/about-us/news-room/statement-of-cfpb-director-rohit-chopra-on-the-jpay-enforcement-action/>
- Chopra, R. (2024). Enforcing the Post-Financial Crisis Ban on Abusive Conduct. *U.C. Irvine L. Rev* 14 (2), pp.625-653.
- Corrigan, P. (2015). 'Abusive' Acts and Practices: Dodd-Frank's Behaviorally Informed Authority Over Consumer Credit Markets and its Application to Teaser Rates. New York

- University Journal of Legislation and Public Policy, 18, pp.125-183.
- Demyanyk, Y., Van Hemert, O. (2009). Understanding the Subprime Mortgage Crisis, Oxford University Press.
- https://fcic-static.law.stanford.edu/cdn_media/fcic-docs/2009-0504%20Demyanyk%20Understanding%20the%20Subprime%20Mortgage%20Crisis.pdf
- Elsan, M. (2013). Laws of Central Bank. Tehran: Research School of Money and Banking. [In Persian]
- Elsan, M. (2020). Electronic Commerce Law. Tehran: Samat. [In Persian].
- Elsan, M., Mazloomi, S., Fathi, M. (2022). Abuse of rights in banking contracts. Private Law. 19(40), pp.1-24. [In Persian]
- Equity stripping, legalmatch.com, <https://www.legalmatch.com/law-library/article/equity-stripping-lawsuits.html>
- Farzin-vash, A., Barkhordari, S. (2010). global experiences of dealing with the financial crisis and lessons for Iran's economy, 8(127), pp.116-141. [In Persian].
- FDIC. (2022). Unfair, Deceptive and Abusive Practices-Federal Trade Commission Act/Dodd-Frank Act.
- Fred. (2024, June 25). Federal Funds Effective Rate.
- <https://fred.stlouisfed.org/series/FEDFUNDS>
- FTC Policy Statement on Unfairness. (1980).
- <https://www.ftc.gov/legal-library/browse/ftc-policy-statement-unfairness>
- FTC Policy Statement on Deception. (1983). <https://www.ftc.gov/legal-library/browse/ftc-policy-statement-deception>
- Ghaffari-Farsani, B. (2019). Competition Laws and Civil Enforcement Guarantees, Legal Foundation: Mizan. [In Persian]
- Hosseini-Sadrabadi, I., Jamali, M. (1400). consumer rights in the banking system. Tehran: Mizan. [In Persian]
- Jaafari, A. (2020). Banking Laws, first volume. Tehran: Sahami Enteshar. [In Persian]
- Jafari-Langroudi, M. J. (1999). Expanded on Legal Terminology. third volum. Tehran: Ganje Danesh. [In Persian]
- Karimi, A., Koshki, M. (2021). Imposed conditions in the contracts concluded between the owners of letters. Research Journal of Commerce. 100, pp.229-256. [In Persian]
- Karimi, A., Shabani Kandsari, H. (2014). The logical relationship between the jurisprudential rule of La-Zarar and the logical rule of abuse of rights. Comparative Research Quarterly of



- Islamic and Western Laws,1(2), pp.135-166. **[In Persian]**
- Katouzian, N. (2018). General Rules of Contracts. Volume One.Tehran:Sahami Enteshar.**[In Persian]**
- Kazempour, S.J. (2013). Ways to support the weak side of the contract.Tehran:Fekrsazan.**[In Persian]**
- Lucas, L.A, Marec, A.D, Morton, J.C. (2016). “Abusive” Acts or Practices Under the CFPA’s UDAAP Prohibition. The Business Lawyer; Vol.71, pp.749-757.
- Makridis, C., Ohlrogge, M. (2022). Moving to Opportunity?The Geography of the Foreclosure Crisis and the Importance of Location. *Journal of Economic Geography*,22(1), pp.159-180.
- Mayerbrown(2023, May 02).CFPB’S POLICY STATEMENT ON ABUSIVE ACTS OR PRACTICES – SOME OBSERVATIONS.
<https://www.mayerbrown.com/en/insights/publications/2023/05/cfpbs-policy-statement-on-abusive-acts-or-practices-some-observations>.
- Movahed., M.A. (1401). The Right and its Abuse.Tehran:Karnameh Publishing House.**[In Persian]**
- Nafcu.(2022).Unfair,Deceptive, or Abusive Acts or Practices(UDAAP),Issue Brief.
- O'Brien,ch.(2018). The CFPB’s Endaround, Cath. U. L. Rev. 67 (9), pp.365-387.
- Policy Statement (2023 April 03). On Abusive Acts and practices.CFPB.
<https://www.consumersfinance.gov/compliance/supervisory-guidance/policy-statement-on-abusiveness/>
- Shahidi, MM. (001). Violation of Right, Legal Research,33 and 34, pp.31-62.
- Rahbari, E., Hasani Sangani,V.(2019).Cmopetition in the realm of Intellectual ownerships,vol II, Tehran: Samt.**[In Persian]**
- S. Rept. 111-176 -THE RESTORING AMERICAN FINANCIAL STABILITY ACT OF 2010.
<https://www.congress.gov/congressional-report/111th-congress/senate-report/176/1>.
- Taqipourdarzi Naqibi,M.H., Muslimzadeh, F., Taleghan Ghafari, M(2023).protective rules in the consumer protection law in a comparative view with the civil law. *Civil Law Knowledge*,12(1),p.p 19-34.**[In Persian]**
- Tiffany, S.L. (2011). No More Abuse:The Dodd-Frank and Consumer Financial Protection Act’s Abusive Standard. *Journal Consumer & Commercial Law*,14, pp.118-133.
- The Financial Crisis inquiry report. (2011). Final Report of the National Commission on the Causes of the Financial and Economic Crisis in the



- United States. Featured Commission Publications.
- UDAAP CFPB Manual. (2012). Unfair, Deceptive, or Abusive Acts or Practices, Unfair, Deceptive, or Abusive Acts or Practices.
- Whalen, R.C. (2008). The Subprime Crisis: Cause, Effect and Consequences Indiana State University, Scott College of Business, Networks Financial Institute [NFI Policy Briefs](#) 2008-PB-04.

